

استقلال



خیلواکی

حمید انوری

یکشنبه ۰۸ نوامبر ۲۰۲۰

در سوگ سیاوش

یما نام نخستین شاه افغانستان بود که در دلاوری زبازد عام و خاص بود و مردم او را دوست داشتند. او شاهی بود مردم دوست، وطن دوست و با درایت و کاردان.

"یما"، به معنی دریا آمده است.

"سیاوش" هم یک پهلوان و جنگ جوی نترس و دلاور بود که در اثر سعایت بدخواهان، سر نازنین اش برباد رفت و با نامردی کشته شد.

"سیاوش" به معنی دارنده اسپ سیاه نر، آمده است.

و اما "یما سیاوش"، که هم دلاور و با جرئت بود و هم زبازد عام و خاص، در سخن گفتن و در نوشتن و در استدلال، دارای منطق قوی، فرزند برومند این مرز و بوم بود که در خدمت میهن و مردم، هیچ رخنه ای را بخود راه نداد و نترس و بیهراس حق می گفت و خمی بر ابرو نمی آورد. اسپ سیاه او، قلم او بود و دوات و رنگ سیاه.

او به پیش می تازید و قشنگ استدلال می کرد، نطق ورزیده بود و دارای تحصیلات مافوق عالی. "یما" به راستی که یک دریا بود. دریای از معرفت و شجاعت، حلم و اخلاق و ادب و مردم دوستی

و...

ولی هیهات و دریغا و دردا که آن جوان قامت رسا و آن شیفته میهن آبا، با یک توطئه ننگین، دیروز شنبه هفدهم عقرب ۱۳۹۹، خون پاکش بریخت و این دنیای دون را برای همیشه ترک کرد.

یادش گرامی و همیشگی باد و روح و روانش شاد!

بلی! "یما" یک دریا بود، دریای از علم و معرفت، دانش و فراصت، دریای خروشان نویسندگی، شعر و شاعری، نطقی و گویندگی و استدلال منطقی و بی باک.

او نترس و بیهراس واقعیت ها را برملا می ساخت و میدانست که اندرین راه، زبان سرخ او سر سبز اش را برباد میدهد، و عاقبت چنان شد و سر سبز او طعمه آتش سرخی گردید که یک مشت از خدا بیخبران و مزدوران اجنبی افروختند و خود به تماشا نشستند. تن نازنین یما سیاوش در آتش و دود سوخت و پارچه پارچه گردید و به ابدیت پیوست.

او که نه تفنگ داشت و نه زر و نه زور و نه واسطه و وسیله و نه هم کدام مقام بلند لشکری و کشوری، چرا و به چه دلیل باید چنان ناجوانمردانه و ددمنشانه شهید می شد؟!

هنوز خون خواهران و برادران شهید ما در فاجعه کورس دانش کوثر نخشکیده بود که خواهران و برادران ما، جوانان رشید و قامت رسای ما در پوهنتون کابل، غرق در خون و دود و آتش شدند و صحن پوهنتون کابل را کتاب و قلم سوخته، اجساد جوانان سوخته و توته ها و پارچه هائی از گوشت و پوست انسان فرا گرفت و...

و هنوز این خون های ریخته شده تازه و تر بودند که خون یما سیاوش و دو نفر دیگر از هموطنان ما ریختند و فغان مردم به عرش معلا رفت.

باز هم همان قصه و داستان تکراری، تکرار شد، یخن پاکستان و طالب و داعش گرفتند و باز هم گفتند و فریاد کردند و واویلا سر دادند که این جنایت در پاکستان طراحی شده بود و...

از برای خدا و از برای آفتاب روز قیامت! مال تانرا نگهدارید و همسایه را دزد نگیرید!

اینکه مسؤل کی یا کی ها هستند و کدام افراد و اشخاص در کجا این جنایات سخیف را طراحی میکنند و...، هیچ دردی را دوا نمی کند و هرگز هم مرحمی بر زخمهای بیشمار مردم نمی گذارد. از قرائن چنین بر می آید که شاید دستی از داخل دستگاه حاکمه در این جنایت دخیل باشد که از یما سیاوش و سوال های پیهم و محکم او، از سابق داغی به دل داشته بوده باشند و منتظر فرصت مناسب بوده اند. البته این یک فرض و یک گمان است که نمی شود آنرا نادیده گرفت.

به دو کلیپ که برای هموطنان انتخاب کرده ایم، با دقت ببینید و گوش دهید که چه افراد و اشخاصی از آن نطق ورزیده، دل پرخونی داشته اند، شاید هم کلیپ های بیشمار دیگری نیز در یوتیوب موجود باشند.

"یما سیاوش" را خاموش ساختید، اما بدانید که یما ها و سیاوش های دیگر در راه اند و آگاه باشید

که: **تا یکنفر افغان است – زنده افغانستان است**

ای گمراهان پلید و ای زورآوران و زور داران و تروریستان کثیف و خونریز! بدانید که حق همیشه پیروز است و از خون پاک یما سیاوش و صد ها و هزاران جوان غیور این آب و خاک که آنان را نامردانه پر پر کردید، صد ها و هزاران یما ای دیگر می روید و این کشور غرقه در خون را، دیر یا زود به گلستانی مبدل می سازند و لعن و نفرین خلق خدا و لعنت خدا بر شما ها بی ننگان تاریخ باقی می ماند.

دیدنی که خون ناحق پروانه شمع را

چندان امان نداد که شب را سحر کند